

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: آیا دلیل حقوقی خاصی داشت که همه را یکی کردیم یا دلایل آن فقط سیاسی بود؟

این دوستان باید با پافشاری خود نهادی را ذکر می‌کردند که این کار را نکرده‌اند. این کار نشده است؛ یا قدرتش را نداشتند ادامه بدهند و ترسیدند نکند اگر روی این پافشاری کنیم برجام به نتیجه نرسد. باید این امر را در زمره خطاهای مذاکره‌کنندگان بدانیم که حداقل از این موضوع غفلت کرده‌اند، درحالی‌که دو طرف آمریکایی و اروپایی‌ها مصر بودند که این توافق امضا شود؛ یعنی آن طرف تقاضا بسیار بالا بود و اگر کمی بیشتر مقاومت می‌کردیم و روی حقوقمان می‌ایستادیم. طبیعتاً بهتر می‌توانستیم نتیجه بگیریم؛ ولی کوتاه آمدیم و در نتیجه دچار فرایندی شدیم که اگر بخواهد هر اختلافی حل و فصل شود، آخرش لوله اسلحه به سمت ایران است و اگر ضامنش کشیده شود به طرف ما شلیک می‌شود.

در مکانیزم ماشه شما وضعیتی را تصور می‌کنید که آخرش حتی در شورای امنیت هم اگر این ماشه کشیده شود فقط و فقط ایران را می‌زند و ایرانی‌ها یک توافق یک‌طرفه را امضا کرده‌اند. این‌ها خودشان هم شاکی و قاضی شده‌اند، دادستان هم که بودند و هستند، چون حرف کمیسیون برجام این است که دو طرف بیایند موضوع را حل کنند. از این دو طرف، یک طرف ایران و طرف مقابل ۱+۵ است. البته اتحادیه اروپا را هم به‌عنوان یک شخصیت حقوقی اضافه کرده‌اند. فرض کنیم چین و روسیه با ما باشد که اگر این اتفاق می‌افتد، در نهایت می‌شویم سه عضو و آن‌ها بیشتر هستند و حرفشان بیشتر به کرسی می‌نشیند. به‌رحال این ساختار و سامانه حل و فصل طرفین برجام یک ساختار معلول بوده، ما همیشه باید ببینیم که یک شمشیر داگلاس بالای سرمان است. طرف مقابل این شمشیر را بالای سر ما نگاه داشته است به‌عنوان یک ابزار تهدید هر موقع اراده کند می‌تواند آن شمشیر را پایین بیاورد، پس ما نباید روی این توافق می‌کردیم. برجام می‌گوید هر کدام از طرفین ادعا کند طرف مقابل توافق را نقض کرده است، این موضوع می‌رود در کمیسیون، کمیسیون هم سازوکاری دارد و فرایند در آن از صفر تا صد دیده شده است؛ کمیسیون مشترک برجام برای

۹۹ غفلت و تسامح و جهت‌گیری خاص به سمت یک یا چند کشور تنها ثمره حقوق بین‌الملل است. صلح بین‌المللی و عدالت در دنیا به محاق رفته است. پس از جنگ جهانی دوم و آن همه آدمی که کشته و مجروح شدند، قرار بود دیگر جنگ نشود؛ اما جنگ‌های متعددی در این سال‌ها اتفاق افتاده است. نقش سازمان ملل هم منفعلانه بوده و حتی به این جنگ‌ها و اختلافات و بحران‌ها دامن زده است. ۶۶

حل و فصل اختلاف طرفین تشکیل می‌شود و بعد در فرصتی ۱۵ روزه موضوع مشخص و تعیین تکلیف می‌شود.

مثلاً اگر ایران معتقد است که آمریکا یا یکی از کشورهای عضو، تعهداتی را نقض کرده است، دلایلش را ذکر می‌کند، عکس آن هم ممکن است؛ یعنی انگلیس، آمریکا، فرانسه و آلمان ادعا می‌کنند ایران تعهداتش را نقض کرده است و راجع به آن گفت‌وگو می‌کنند. اینجا کمیسیون باید تعیین تکلیف کند. اگر این اتفاق افتاد که تمام است، اگر اتفاق نیفتاد چند حالت دارد یا اطلاعاتش را پس می‌گیرد یا متقاعد می‌شود یا اینکه در حالت سوم به نتیجه نمی‌رسد و وارد مرحله دوم می‌شود و اینجا هم ۱۵ روز فرصت هست که با اجماع رأی بدهند که آیا این عضو معترض درست می‌گوید یا نه. این هم یک حالت است. اگر باز نتیجه نداد مرحله سوم را داریم و این موضوع به یک هیئت سه نفره ارجاع داده می‌شود، اعم از یک طرف که با ما و فردی که با آن‌ها است و یک نفر هم عضو ثالث. این کمیسیون باید تعریف کند که اگر این موضوع بخواهد توسط طرفین حل و فصل شود آن گروهی که قدرتش بیشتر است نمی‌آید توافق کنند که چون نمی‌خواهد حقوق طرف دیگر را رعایت کند و می‌تواند شکل صوری به آن بدهد. حقوق بین‌الملل از ابتدای دوره جدید بعد از جنگ اول و دوم جهانی همیشه سیاست زده بوده است و حقوق بشر در اجرا تحت سیطره سیاست و ثروت قرار دارد. بعضی از کشورها ممکن است از نظر سیاسی وزنی نداشته باشند، ولی قدرت دارند؛ مثل آلمان و ژاپن و کشورهایی که در سیاست قوی

هستند. چه بخواهیم چه نخواهیم آمریکایی‌ها و بعضی کشورهای غربی و عربی هستند که قدرت ندارند ولی ثروت دارند. به عربستان توجه کنید در دنیای دیگری قرار دارد. عربستان و صهیونیست‌ها در آمریکا خیلی قوی هستند و لابی می‌کنند و وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که به‌زور و دائم پول خرج می‌کند؛ صهیونیست‌ها همیشه به حساب نمایندگان کنگره پول می‌ریزند، جلسه می‌گذارند، مستقل که نیستند، جمهوری خواه و دموکرات هم فرقی نمی‌کند.

غفلت و تسامح و جهت‌گیری خاص به سمت یک یا چند کشور تنها ثمره حقوق بین‌الملل است. صلح بین‌المللی و عدالت در دنیا به محاق رفته است. پس از جنگ جهانی دوم و آن همه آدمی که کشته و مجروح شدند، قرار بود دیگر جنگ نشود؛ اما جنگ‌های متعددی در این سال‌ها اتفاق افتاده است. نقش سازمان ملل هم منفعلانه بوده و حتی به این جنگ‌ها و اختلافات و بحران‌ها دامن زده است؛ زیرا ساختار سازمان ملل از ابتدا به‌صورت معیوب شکل گرفته است. در ابتدا گفتند کشورها مساوی هستند، بعد بلافاصله آمدند و گفتند این پنج کشور عضو دائم شورای امنیت هستند و علاوه بر این عضویت دائم، حق وتو هم دارند. بعد از ۷۰ سال هنوز این مسئله هست که این پنج کشور در مقابل پیشنهادهای اصلاحی دیگر کشورها درباره ساختار سازمان ملل مقاومت کرده‌اند و اجازه نداده‌اند که تغییر کند یا اعضای آن، یا سیستم و تعداد تغییر کنند و کشورهای دیگری هم ببینند. معلوم است اعضای شورای امنیت نفع خود را در نظر می‌گیرند. زمانی ما دو بلوک شرق و غرب داشتیم که در بخش‌هایی همدیگر را کنترل می‌کردند و اقدامات بازدارنده‌ای داشتند و توازن و تعادل نسبی ایجاد می‌شد؛ اما الآن این‌گونه نیست. الآن روسیه و چین یک طرف و آن‌ها همه با هم در طرف دیگر هستند.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: شما فرمودید که در تفسیر موضوعی بی‌دقتی شده است؛ اکنون آمریکا از واژه‌ها یک تصور دارد و خروجی آن این می‌شود که می‌گوید من با اینکه از برجام خارج شده‌ام، هنوز هم می‌توانم مکانیزم ماشه را اعمال کنم و طرف مقابل تفسیر دیگری دارد. به نظر شما از منظر حقوقی